



سیاه چادر و مسکن در ایل الیکایی گرمسار

علی‌رضا شاه‌حسینی

خورجین و دیگر لوازم منزل است که روی بارها را با جاجیم یا فرش خوش‌رنگ می‌پوشانند که به تزیین و زیبایی داخلی چادر کمک می‌کند.

«بارچین» قسمت داخلی سیاه‌چادر را دو بخش می‌کند که به قسمت انتهایی «پی‌بار» می‌گویند که محل اسکان خانم سیاه‌چادر و بچه‌هاست و همین‌طور محلی برای نگهداری مواد لبنی. کف انتهایی سیاه‌چادر را با سنگ‌های تخت و صاف فرش می‌کنند که برای نگهداری مشک‌های ماست است. چون ماست حاصل از شیر گوسفندان را هر روزه در این مشک‌ها می‌ریزند تا به تدریج بخشی از آب آن بچکد (تخلیه شود) تا بتوانند بعداً از باقیمانده ماست کره بگیرند.

بخش پیشین (جلوبی) چادر برای سکونت مردان و پذیرایی از مهمانان است که کف آن با گلیم دست‌بافت زنان و دختران، همچنین نمد و قالی پوشیده می‌شود.

اجاق گلی کوچکی در کناره چادر در زمین درست می‌کنند که برای درست کردن چای از آن استفاده می‌شود.

عشایر نیمه‌کوچنده الیکایی زمستان در مقر اصلی خود در محدوده گرمسار زندگی می‌کنند و در فصل تابستان در دامنه البرز به بیلاق می‌روند و در آنجا که بهار و تابستان است در زیر سیاه‌چادر به سر می‌برند.

زنان ایل، سیاه‌چادر را با موی بز می‌بافند. هر سیاه‌چادر با کمک چوب‌های بلند و مناسب برپا می‌شود که دارای بام و دیواره‌ای جدا از هم است که به دیواره یلن (yalan) می‌گویند.

بام چادر سه تا پنج تخته دارد که پهلوی هم دوخته شده‌اند درازا یا طول هر تخته به بزرگی و کوچکی چادر بستگی دارد.

برای برپاشدن هر چادر چند دیرک (تیر) نیاز است. پایه دیرک روی زمین و سر دیگر آن به تیری متصل می‌شود که به صورت افقی در سقف چادر به نام کوماجک قرار دارد.

چیدمان درون هر چادر هر چند ساده است ولی بنا به ذوق و سلیقه بانوی ایل تزیین می‌شود. در میان هر سیاه‌چادر تختگاهی (بارچین) برای چیدن رختخواب و

ویژگی سیاه چادر

- قابل تولید از محصولات دامی داخل ایل
- کار دست زنان و دختران هنرمند و سخت کوش
- قابل حمل و نقل (برپا کردن و جمع آوری آن به راحتی ممکن است)
- بادوام و مقاوم در برابر تغییرات جوی (باد، باران یا آفتاب)

موی بز

استفاده از موی بز در بافتن سیاه چادر نشانه‌ای از ابتکار جالب و آگاهانه عشایر و شناخت آنها از خواص موی بز است. وقتی هوا بارانی و مرطوب است مو هم در اثر جذب رطوبت منبسط می‌شود، در نتیجه روزنه‌های موجود در آن به حداقل می‌رسد و باران و هوای سرد نمی‌تواند به داخل چادر نفوذ کند. وقتی هوا آفتابی و گرم است مو رطوبت خود را از دست می‌دهد و منافذ چادر باز می‌شود و با عبور هوای گرم بالای چادر از آن جریانی از هوا از پایین به بالا در چادر به حرکت درمی‌آید و فضای داخل چادر خنک و برای زندگی و استراحت مناسب و مطلوب می‌شود. از دیگر خواص مو این است که چون کرک مو را از آن جدا کرده‌اند، حشرات موزی و بی‌دزدگی به آن آسیبی نمی‌رساند و مدت‌ها سالم می‌ماند.

قطعات چوبی به کار رفته در سیاه چادر

پایه، میخ، کوماجک (komâjak)، سیخچه، هتک (hatak) و میان تیغه.

قسمت‌های بافته شده سیاه چادر

سر یلن (sar yalan)، ور یلن (var yalan)، بند و تخته.

نحوه بافت سیاه چادر

چیدن موی بزها در اوایل تابستان وقتی که هوا گرم است آغاز می‌شود. چون بزها نسبت به سرما حساس و آسیب پذیرند در گرم‌ترین روزهای تابستان موی بزها را با قیچی مخصوصی به نام چَرَه (čara) می‌چینند.

ابتدا کرک مو را جدا می‌کنند و بعد موی خالص را با ترکه (چوب نازک) می‌زنند تا نرم و قابل ریسیدن شود. خانم‌ها آن را با نوعی دوک خاص ایل الیکایی به نام کرمان (kermân) به صورت نخ درمی‌آورند و گلوله‌های نخ را در آب قرار می‌دهند تا انعطاف آن بیشتر و طول آن بلندتر و برای تابیدن آماده بشود.

تخته سیاه چادر به صورت افقی و روی زمین (با کارگاه ساده چوبی و فلزی ساخت دست استادکارها) بافته می‌شود. عرض تخته‌ها کم ولی طول آن به اندازه سیاه چادر است.

هر سیاه چادر از چند قسمت تشکیل شده است: سر یلن که سقف چادر است به طول تقریبی ۶ تا ۹ متر که از به هم دوخته شدن چهار تخته به عرض ۲ تا ۲/۵ متر درمی‌آید.

طناب نگهدارنده چادر را هم از موی بز می‌بافند به پهنای حدود سه سانتیمتر که یک سر آن با حلقه‌ای به سیاه چادر متصل می‌شود و سر دیگر آن را به میخ‌های چوبی کاشته شده در اطراف سیاه چادر می‌بندند و می‌کشند تا چادر استوار بماند.



در اندازه مناسب بریدند دو سر آن را به هم نزدیک می‌کنند و محل اتصال آن را با بندی می‌بندند. وقتی شاخه‌تر خشک می‌شود به همان حالت می‌ماند و به صورت حلقه‌ای مناسب برای بستن بند سیاه‌چادر به آن درمی‌آید.

مسکن قشلاقی

مسکن‌های قشلاقی ایل الیکایی از آغاز ورود آنها به جلگه‌خوار تاکنون دچار تغییر و تحولاتی شده است. آنها دوره قشلاق در فصل پاییز را در میان سیاه‌چادر به سر می‌برند. تا قبل از سال ۱۳۰۸ ش و اسکان اجباری توسط رضاخان، هر یک از تیره‌های ایل، در منطقه‌ای خاص در کویرها و بیشه‌زارهای شرقی و جنوبی گرمسار با هم زندگی می‌کردند و مساکن متفرق داشتند، دیوار این بناها از دورهم گذاشتن گل سفت معروف به «چینه»

سیخچه یک میخ چوبی است با قطر دو و طول ۱۵ سانتیمتر که برای اتصال سقف چادر به بدنه آن نیاز است و آن را از چوب درختان مقاوم مثل گز و شیرخشت می‌گیرند.

میخ‌های چوبی سیاه‌چادر هم به بلندی ۷۵ سانتیمتر و قطر مناسب که یک سر آن را تیز می‌کنند تا به راحتی در داخل زمین فرو برود. بندهای سیاه‌چادر به دور این میخ‌های چوبی بسته می‌شوند.

کوماجک (komâjak): یک تیر چوبی را از طول می‌برند. قسمت پایین آن صاف و قسمت بالای آن محدب (گرد) است که چادر روی آن قرار می‌گیرد طرف صاف و تخت آن محل مناسبی برای استقرار دیرک چادر است.

هتک (hatak) یا حلقه چوبی را از درختان جنگلی قابل انعطاف درست می‌کنند. زمانی که شاخه درخت را

گاه و جو مورد استفاده قرار می‌گرفتند و در جنب این اماکن محوطه‌ای ساخته می‌شد که به وسیلهٔ یک در به حیاط مسکونی راه داشت و در اصطلاح محلی به آن «یاربند» می‌گفتند. این محل مخصوص نگهداری دام‌ها می‌باشد.

ایل الیکایی از دو دهه گذشته مسکن‌های خود را با مصالح جدید ساختمانی نظیر آجر، سیمان و آهن ساخته‌اند، گرچه ساختمان‌های گنبدی شکل خشتی هنوز کنار گذاشته نشده و افراد کم‌بضاعت در آن ساکن هستند. نقشه مسکن همانند مسکن‌های روستایی و شهری است. در نقشه‌های جدید، اتاق نشیمن، پذیرایی، آشپزخانه و در بعضی موارد حمام لحاظ می‌شود.

با ارتفاع کم ساخته می‌شد و سقف آن را نیز با قراردادن چند تیر به طور متقاطع و ریختن نی و خاشاک، با کاهگل اندود می‌کردند. محوطه درون این خانه‌ها اغلب به همان صورت ناهموار باقی می‌ماند، ولی برخی اشخاص باسلیقه داخل اتاق را نیز کاهگل می‌نمودند. راه ورود به اتاق‌ها از یک در چوبی یک لنگه کوچک تشکیل می‌شد و محوطه جلوی بنا دارای فضای باز بود و در کنار آن آغل و جایگاه احشام قرار داشت.

بعد از اسکان اجباری این ایل در سال ۱۳۰۸ ش توسط رضاخان، روستاهای جدیدی از قبیل توره (فردان)، خلخالیه، عدل آباد، نوردین آباد، توده خالصه، غیاث آباد به وجود آمدند، که می‌توان آنها را روستاهای کوچنده نام نهاد؛ زیرا در فصول بهار و تابستان تقریباً خالی از سکنه می‌شدند، مگر تعدادی از افراد هر خانواده که کار زراعت را ادامه می‌داد. با گذشت زمان کم‌کم به علت پیشرفت در امر زراعت به ویژه برداشت خربزه، از تعداد کوچندگان کاسته شد. این روستاها منشأ ایلی داشته و عمری کمتر از شصت سال دارند.

بعد از اسکان، بناها را عموماً از خشت خام ساختند و سقف آنها را گنبدی شکل نمودند و اتاق‌ها به طور ردیف در کنار هم ساخته شد یکی از ویژگی‌های مسکن‌ها، داشتن طاقچه‌ها در اتاق‌ها بود که با بریدن و شکاف دیوارهای قطور ایجاد می‌شد، شکل آن بسان پنجره و اغلب بالای آن طاق‌مانند و دارای قوس بوده و اهالی به چیدن اشیائی نظیر چراغ، سماور و... بر روی آن مبادرت می‌ورزیدند.

یکی از اتاق‌ها نیز مخصوص پذیرایی مهمان و بقیه برای زندگی ساکنان بود. اتاق‌های کنار به عنوان انبار